

«ایران» از طرح نمایندگان مجلس برای مدیریت توزیع مواد مخدر گزارش می‌دهد

حیره مخدرهای قانونی برای شهروندان محترم معتاد

معنای توزیع تریاک دولتی چیست؟

حمیدرضا باگشا

مصرف مواد مخدر و اعتیاد ایرانیان به این آفیون از دوران صفویه باکشت خشخاش آغاز شد و بتدریج دامنه و گستره آن علاوه بر دربار به شهرها و روستاهای کشور نیز سرایت کرد؛ البته برخی دیگر از کارشناسان بر این باورند که بشر از همان دوران ابتدایی با یافتن گیاه‌هایی تسکین‌بخش با مواد مخدر برای تسکین آلامش آشناشد. هر چند که طی مقطع کوتاهی در دوران صفویه کشت خشخاش ممنوع شد اما نتیجه‌ای حاصل نشد و در دوران قاجار و پهلوی به اوج خود رسید؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز آیت‌الله خلخالئی نخستین حاکم شرع جمهوری اسلامی تلاش‌های فراوانی در این راستا انجام داد و قوانین اعدام نیز برای سوزاندن ریشه این بلاي خانمانسوز تصویب و اجرایی شد اما آمارها نشان می‌دهد که هیچ کدام از روش های انجام شده نتوانست به منزله سدی محکم در برابر معتاد نشدن ایرانیان به شمار رود. بهره‌مندی از تجربیات دیگران از جمله مؤلفه‌هایی است که از منظر عقلی و حتی شرعی همیشه مورد توجه اندیشمندان بوده است، چرا که اگر چنین نبود بسیاری از پیشرفت‌های بشری حاصل نمی‌شد؛ خوشبختانه کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی سرانجام به این نتیجه رسید که باید با بهره‌مندی از تجربیات سایر کشورها در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر و اعتیاد، گام‌های مناسب تر در این راستا بردارد و بر همین اساس نیز لویحی همچون اصلاح قانون اعدام قاچاقچیان با توزیع مواد مخدر در راستای گسستن زنجیره بین توزیع و مصرف کننده مواد مخدر ارائه کند.

■ قانونمندسازی مصرف

سعید صفاتیان رئیس کار گروه کاهش تقاضا در کمیته مستقل مبارزه با مواد مخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام در همین زمینه به خبرنگار «ایران» می‌گوید: «در سال ۸۲ دیر کل وقت ستاد مبارزه با مواد مخدر یعنی را به عنوان مدیریت مصرف مطرح کرد که این دیدگاه به معنای کم کردن ارتباط بین مصرف‌کننده و قاچاقچی بود. سال ۸۵ نیز طرحی با عنوان ارائه مواد مخدر به افراد بالای ۵۰ سال در ضمن علسی مجمع تشخیص مصلحت نظام رای آورد ولی بعدها در مسیر ابلاغ دچار مشکلاتی شد و دولت‌های نهم و دهم این موضوع را پیگیری نکردند تا اینکه سال گذشته با توجه به ابلاغ سیاست‌های کلی نظام در برنامه ششم توسعه در مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب شد تا مدیریت مصرف را به بند ۵۷ که حوزه تخصصی مواد مخدر بود، آورده شود؛ بر همین اساس در بند ۵۷ آمده است که باید از طریق سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر و مدیریت مصرف ۲۵ درصد اعتیاد را کاهش داد.

بر همین اساس معتقدم این مباحثی که در مورد مدیریت مصرف مواد مخدر مطرح می‌شود اتفاق جدیدی نیست، به طور نمونه طی سال‌های گذشته بنده به دفعات در گفت و گوهای رسانه‌ای اعلام کرده‌ام که نیازمند تشکیل اتاق‌هایی با عنوان تزریق برای معتادان هستیم. برای آنکه معتادان تزریقی را به آن مکان‌ها برده یا خودشان بدان‌ها مواد مخدر بدهیم همان جاذب‌تزیق کنند تا دچار بیماری‌هایی همچون ایدز نشوند.» وی در مورد جایگزینی مواد مخدر نیز می‌افزاید: «می‌توان تریاک‌هایی که از قاچاقچیان گرفته می‌شود و ناخالصی‌های زیادی هم دارند با درصد خلوص استاندارد به معتادان ارائه کنیم.

تریاک‌ی که هم‌اکنون در کشور مصرف می‌شود دارای درصد خلوص بسیار پایین است و منی ۵۰ سال قبل بنده می‌توان گفت با اصلاح ناخالصی به معتادان کارها از طریق مراکز بهداشت و درمان صورت پذیرد. نکته دیگری هم که مهم به

شمار می‌رود این است که این مواد از چه طریقی باید ارائه شود؟ نباید به گونه‌ای باشد که در خیابان‌ها و مغازه‌هایی باشند که نابالوی فروش مواد مخدر را تصب کنند؛ بلکه باید مراکز بهداشتی یا یک کلینیک قضایی تشکیل شود که مسئولیت آن نیز برعهده ستاد مبارزه با مواد مخدر باشد.

هیچ دستگاه اجرایی دیگر نمی‌تواند از لحاظ قانونی جایگزین ستاد مبارزه با مواد مخدر در این امر باشد.» صفاتیان یادآور شد: «همچنین برای این موضوع باید شرایطی خاص را مقرر کرد که چه کسانی با چه شرایطی می‌توانند از این مواد مخدر استفاده کنند. ذکر این نکته حائز اهمیت است که برای مواد مخدر سنتی جایگزین داریم اما برای مواد روانگردان همچون شیشه و غیره دارویی جایگزین نداریم و بر همین اساس از داروهای دیگر مانند متانتر پاین سری که عوارض کمتری نیز دارد استفاده می‌شود. این پیشنهاد کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی در واقع انتخاب بین بد و بدتر است و به آن برنامه کاهش آسیب نیز گفته می‌شود.» وی خاطر نشان کرد: «قانونمند کردن مصرف مواد مخدر به توسعه آن نمی‌انجامد، به طور نمونه حدود یک سال پیش در پنج ایالت آمریکا این اقدام با رأی مردم صورت گرفته شد و جایگزین‌ها نشان داد که مردم



حمیدرضا باگشا

جنایت‌شدت کاهش یافت. همچنین این امر در برخی کشورهای اروپایی عملیاتی شده و علاوه بر کسب نتایج مناسب و مطلوب، سبب کاهش قاچاق شده است. نکته دیگری که حائز اهمیت به شمار می‌رود این است که طرح مذکور بخشی از قانونمندسازی مصرف مواد مخدر است.

در کشورهای دنیا، جرم زدایی، جرم انگاری، کیفرزدایی، قانونمندسازی یا طبی‌سازی دارو وجود دارد که می‌توان برای قطع ارتباط بین مصرف‌کننده و قاچاقچی از دارو استفاده کرد؛ حال این دارو می‌تواند شربت تریاک باشد که از خود تریاک به دست می‌آید یا قرصی باشد که از شیشه یا موادی شیشه‌ای آن به دست می‌آید. حتی می‌توانیم قانونمندسازی کنیم؛ بدین معنا که قانونگذار در شرایطی به فرد اجازه می‌دهد که مواد مخدر مصرف کند که البته این با آزادسازی مصرف مواد مخدر بسیار تفاوت دارد. در آزادسازی به معتادان می‌گویند که هر کاری دوست دارید؛ انجام دهید و بروید سرچهارا راه‌ها مواد مخدر مصرف کنید اما ما نه دنبال آن هستیم و نه تفکر آزادسازی داریم بلکه اهتمام به قانونمندسازی داریم. برای موفقیت این برنامه در کشور باید به ماده ۱۵ قانون مبارزه با مواد مخدر نگاه علمی‌تر و بهتری شود و آن را بتوانیم در کشور توسعه دهیم.»

وی در پاسخ به سؤال دیگری درباره تفاوت این مصوبه با آن‌چه پیش از انقلاب به صورت توزیع کوپنی مواد مخدر انجام می‌شد، گفت: واقعبیت این است که بنده از سال ۸۲ این موضوع را مطرح می‌کنم که راه را اشتباه رفته‌ایم، هر چند که برخی از برنامه‌هایمان موفقیت‌آمیز بوده و نمی‌توان گفت که بد عمل شده است اما بر این باوریم که ضعیف عمل کرده‌ایم. همچنین کسی نمی‌خواهد در این طرح کوپنی به مصرف‌کنندگان مواد مخدر ارائه دهد به گونه‌ای که هم‌اکنون نیز افرادی که به مراکز درمان مراجعه می‌کنند، شناسنامه و کارت درمان دارند. کارت درمان هم‌اکنون در اغلب کشورهای اروپایی وجود دارد به گونه‌ای که هر پزشکی یا پارکدی که بیمارش دارد از روند بیماری و اعتیاد وی باخبر می‌شود.»

همچنین **محمد کاظمی** نایب رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی نیز به خبرنگار «ایران» می‌گوید: «این بحث پیشنهادی بود که توسط یکی از اعضای کمیسیون مطرح شد که هر چند تصویب شده اما خام بوده و نیاز به توضیح، تبیین، آیین‌نامه و غیره دارد. انگیزه طرح هم این بود که رابطه بین معتاد و قاچاقچی یا مصرف‌کننده و فروشنده را قطع کند؛ بلکه بتوانیم در مسیر مبارزه گام‌های بیشتری برداریم. از طرفی هم روزانه شاهد فوت ۶ معتاد در کشور به سبب عرضه مواد مخدر با ناخالصی‌های فراوان هستیم و یکی از دلایل این طرح نیز همین امر بوده‌است. کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی مقرر کرده که دولت ظرف سه سال این اقدام را انجام دهد و آیین‌نامه اجرایی آن هم باید تصویب و اجرا شود. برنامه توزیع مواد مخدر بین معتادان در دوران قبل از انقلاب هم بوده است اما باید منتظر ماند تا دید در صحن علنی مجلس شورای اسلامی چه اتفاقی می‌افتد و آیا این طرح رای کافی را می‌آورد.»

■ توزیع هم‌فمنندساز

نماینده مردم ملایر استان همدان در مجلس شورای اسلامی می‌افزاید: «این طرح فقط در کمیسیون مطرح شده است و قوه قضائیه یا ستاد مبارزه با مواد مخدر اظهار نظر قبلی در این موضوع نداشته‌اند. در این دوران نیز می‌تواند طرح مذکور عملیاتی و موفقیت‌آمیز باشد.» وی می‌گوید:

وی با اشاره به طرح متادون درمانی در کشور یادآور می‌شود: «به نظر من این طرح موفقیت‌کاملی نداشته و از لحاظ نسبی بسیار کم توانسته به اهدافش برسد. منتها طرح جدید یعنی نو بوده و سعی دارد حلقه قاچاق و مصرف‌کننده مواد مخدر را از بین ببرد و سبب کنترل بیشتر شود.» همتی یادآور می‌شود: «رای گیری در مورد طرح در کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی انجام نشده و منتظر نظر کارشناسان هستیم. مشابه این طرح در برخی کشورها اجرا شده و موفقیت‌آمیز هم بوده است اما همانگونه که عنوان شد؛ شرایط هر کشور متفاوت از بقیه است و باید بر اساس مدل بومی آن منطقه اقدامات لازم صورت گیرد.»

عبدالعلی میرکوهی معاون حقوقی و پارلمانی وزیر دادگستری نیز به خبرنگار «ایران» می‌گوید: «طرح حذف اعدام از برخی قاچاقچیان مواد مخدر یک ماده خوب دیگری نیز داشت که آن هم قاچاق اقدامات کارشناسانه انجام شود و بین برد چرا که کنترلش دیگر در دست دولت است.

معضل قاچاق مواد مخدر با نمونه‌های مشابه این طرح در برخی کشورها حل شده و دولت با خودشان مراکز ایجاد بحرانی و جنکی در جامعه وجود دارد یک استراتژی خاص پیگیری می‌شود و اگر شرایط متفاوت از حالات ذکر شده باشد اقدامات دیگری نیز می‌ی‌شود و بر همین اساس نمی‌توان وضعیت کنونی را با دوران قبل از انقلاب قیاس کرد و مشابه دانست. شاید در دوران قبل از انقلاب این طرح موفق بوده اما باید بررسی شود که آیا در این دوران نیز می‌تواند طرح مذکور عملیاتی و موفقیت‌آمیز باشد.»

این قانون به طور کلی ممکن است مورد بازبینی قرار گیرد.»

میر کوهی در مورد نظر شورای نگهبان نیز خاطرنشان می‌سازد: معتقدم این طرح مشکل شرعی ندارد و فکر نکنم به معنای مشکل در این زمینه گرفتار شود اما شاید در بحث تأمین مالی طرح ایرادهایی همچون مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی داشته باشد. در این اصل آمده است که طرح‌های قانونی و پیشنهاده‌ها و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لویاح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است، که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.

اما چون بخش اصلی طرح که محدود شدن مجازات اعدام قاچاقچیان مواد مخدر بوده این ماده به نظر نمی‌رسد که از طرف شورای نگهبان مخالف شرع یا قانون اساسی شناخته شود و به احتمال زیاد به تأیید این نهاد می‌رسد. معاون حقوقی و پارلمانی وزیر دادگستری تصریح می‌کند: «دولت موافق این طرح است و قوه قضائیه نیز با اصل قضیه که محدود کردن این معضل است؛ موافقت دارد. وزارت دادگستری هم به تبع قوای مجریه و قضائیه موافق چنین طرحی است.»

■ تفسیر نادرست حکم طرح

حجت‌الاسلام حسن نوروزی سخنگوی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی نیز در همین زمینه به «ایران» می‌گوید: «متأسفانه چند صبیحه‌است که برخی ارسانه‌ها مدعی شده‌اند که قرار است مواد مخدر به صورت دولتی توزیع شود که به هیچ عنوان صحت نداشته و قلمداد شود. این طرح می‌تواند علاوه بر گسستن زنجیره قاچاق سبب کاهش بیمارهای مصرف‌کنندگان مواد مخدر شود که در جامعه هستند. وی ادامه می‌دهد: «این طرح در صورت تصویب جزو قانون مبارزه با مواد مخدر می‌شود؛ هر چند



محمد کاظمی:
محمد همتی:
احمد همتی:
یابستی
منتظر ماند و کارهای
کارشناسانه بیشتری روی
طرح یاد شده ارائه داد تا
تمام نتایج آن به دقت
استخراج شود، البته
نباید مسائل کنونی کشور
را براد قبل مقایسه
کرد و باید با وضعیت
موجود اقدامات
کارشناسانه انجام شود و
اگر تمامی ملاحظات نظر
مثبت داشتند آنگاه این
طرح اجرایی شود

این قانون به طور کلی ممکن است مورد بازبینی قرار گیرد.»

در این طرح دولت موظف می‌شود به گونه‌ای صحیح نسبت به تأمین نیاز معتادان اقدام کند تا علاوه بر درمان معتادان درمان، سبب کاهش مصرف مواد مخدر و نیز قطع شدن رابطه بین قاچاقچی و مصرف‌کننده شود.» وی خاطر نشان کرد: «البته نحوه اجرا، مربوط به آیین‌نامه‌ای است که ستاد مبارزه با مواد مخدر تهیه خواهد کرد تا اگر به تصویب هیأت وزیران برسد؛ گام‌های بعدیش نیز برداشته شود. مصوبه کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی به معنای کوپنی شدن مواد با برگشت به قبل از انقلاب و آزاد شدن تریاک نیست؛ بلکه سعی دارد تا از طریق شناسایی و تأمین منابع مجازات اعدام قاچاقچیان مواد مخدر بوده این ماده به نظر نمی‌رسد که از طرف شورای نگهبان مخالف شرع یا قانون اساسی شناخته شود و به احتمال زیاد به تأیید این نهاد می‌رسد. معاون حقوقی و پارلمانی وزیر دادگستری تصریح می‌کند: «دولت موافق این طرح است و قوه قضائیه نیز با اصل قضیه که محدود کردن این معضل است؛ موافقت دارد. وزارت دادگستری هم به تبع قوای مجریه و قضائیه موافق چنین طرحی است.»

تفسیر نادرست حکم طرح
حجت‌الاسلام حسن نوروزی سخنگوی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی نیز در همین زمینه به «ایران» می‌گوید: «متأسفانه چند صبیحه‌است که برخی ارسانه‌ها مدعی شده‌اند که قرار است مواد مخدر به صورت دولتی توزیع شود که به هیچ عنوان صحت نداشته و قلمداد شود. این طرح می‌تواند علاوه بر گسستن زنجیره قاچاق سبب کاهش بیمارهای مصرف‌کنندگان مواد مخدر شود که در جامعه هستند. وی ادامه می‌دهد: «این طرح در صورت تصویب جزو قانون مبارزه با مواد مخدر می‌شود؛ هر چند

حق بهره‌مندی از حمایت‌های قضایی

قانون

دکتر موسی پیریایی

مجتهدان

یکی از دغدغه‌های همیشگی انسان، داشتن امنیت

است و دارا بودن «امنیت شخصی» به‌عنوان

مهم‌ترین جلوه آزادی در هر جامعه به شمار می‌رود. این‌حق در فرآیند دادرسی کیفری معنا و مفهوم مهم‌تر و برجسته‌تری پیدا می‌کند.

احساس امنیت برای بزه دیده یک حق است که برای نهادهای رسمی ایجاد تکلیف می‌کند. ساز و کارهای قانونی باید به‌شکلی تنظیم و اجرا شوند که تضمین‌کننده این حق برای بزه دیده در همه فرآیند دادرسی کیفری باشند که می‌توان از آن به‌عنوان دادرسی امنیت محور یاد کرد. هر گاه بزه دیده با خطری آسوده و بدون هیچ گونه نگرانی در فرآیند دادرسی کیفری شرکت نماید، دادرسی کارآمدتر می‌شود و سبب آسانی در رسیدگی، کشف موضوع و جمع‌آوری دلیل می‌شود.

البته دیگر بازیگران عرصه دادرسی هم که به‌نوعی مرتبط با بزه دیده هستند باید از این حق بهره‌مند شوند، همانند شهود و گواهان، همچنان‌که در بسیاری از کشورها، تضمینات کیفری برای آن پیش‌بینی شده است. در بسیاری از کشورها نیز مراکز خدمات‌رسانی به این‌گونه افراد که به صورت دولتی یا محلی اداره می‌شوند، تأسیس شده است. به‌عنوان نمونه در انگلستان «مرکز حمایت از بزه دیدگان و خدمات‌رسانی به شهود» وجود دارد. این مرکز توسط نیروهای داوطلب همراه با کارمندان حقوق بگیر اداره می‌شود. موضوع خدمات‌رسانی در حقیقت، آشنا ساختن شهود با فرآیند رسیدگی در دادگاه و حفاظت و حمایت از آنان در جریان دادرسی است. جالب اینجاست که ۹۷ درصد از پرونده‌های ارجاعی، با موفقیت مورد حمایت قرار گرفته شده است.

سیاست تقنینی حمایت‌گرایانه، در قانون آیین دادرسی کیفری جدید، نمود پیدا کرده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

الف- قانونگذار برای بازپرسی تکلیفی را در باب حمایت از افراد شرکت‌کننده در یک فرآیند دادرسی کیفری در ماده ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ پیش‌بینی کرده است. بزه دیده این حق را دارا شده است که اگر احساس ناامنی در برابر تهدیدها نمود، از بازپرس درخواست نماید که از وی حمایت شود. بازپرس در صورت ضرورت، انجام برخی اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان مکلف هستند که دستورها را انجام دهند و نتیجه کار را نیز به بازپرس گزارش نمایند. آشکار است که اقدامات احتیاطی بازپرس و ضابطان دادگستری باید در حد ضرورت باشد چرا که ممکن است حقوق و آزادی‌های افراد و بویژه متهم به خطر بیفتد.

ب- حق برداشتن امنیت نسبت به تمامیت جسمانی، روحی و شخصیت فردی و اجتماعی بزه دیده قابل اعمال است که این امر در ماده ۱۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ با عنوان «حق حمایت از بزه دیده درباره جلوگیری از دسترسی متهم به اطلاعات فرد بزه دیده» مطرح شده است. در این ماده بازپرس مکلف است که هر گاه دسترسی به اطلاعات فردی بزه دیده همچون نام و نام خانوادگی، نشانی و شماره تلفن احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه دیده را به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات در نظر بگیرد و این امر در مرحله دادگاه و با رعایت مصالح بزه دیده نیز قابل اعمال است. در مقام تجزیه و تحلیل این ماده، نکات زیر را می‌توان بیان کرد:

۱- **تکلیف مقام قضایی:** مقام قضایی رسیدگی‌کننده (بازپرس یا رئیس دادگاه) تکلیف دارد که تدابیری را پیش‌بینی و اجرا نماید تا از دسترسی به اطلاعات بزه دیده جلوگیری شود.

۲- **شرایط تکلیف:** مقام قضایی با وجود چند شرط، دارای تکلیف می‌شود. نخست آنکه تشخیص دهد که دسترسی به اطلاعات فردی بزه دیده، موجب تهدید است. دوم آنکه این تهدید، باید یک تهدید جدی باشد. دیده می‌شود که از دید قانونگذار تهدید ممکن است جدی یا غیر جدی باشد. شاید مراد از تهدید جدی، تهدیدی است که شرایط و اوضاع و احوال موجود، دلالت بر امکان عملی کردن آن داشته باشد. در مقابل تهدید غیر جدی، تهدیدی است که بنابر یک وضعیت ویژه، امکان اجرایی شدن فراهم نباشد، به‌طور نمونه تهدیدکننده دارای توانایی جسمی یا غیر جسمی برای اجرایی کردن آن نباشد. در هر صورت تشخیص جدی بودن یا نبودن یک امر قضایی است که با مقام قضایی رسیدگی‌کننده است.

۳- **تهدید علیه بزه دیده:** احتمال خطر و تهدید جدی باید علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه دیده باشد. اینکه چرا قانونگذار تهدید علیه خانواده بزه دیده بویژه همسر یا فرزندان وی را مشمول حکم یاد شده قرار نداده است، جای پرسش دارد.

۴ - **اطلاعات فردی:** به یاد بردن واژه «اقبال»، هر گونه اطلاعات را در برمی‌گیرد. بنابراین هر امری که به‌طور رسمی یا غیر رسمی (عرفی) در مفهوم اطلاعات فردی گنجانده شود، قابل بررسی است. همانند نشانی اداره یا رایانامه.

۵- **مقام قضایی رسیدگی‌کننده:** چون این ماده در زیر فصل چهارم با عنوان «وظایف و اختیارات بازپرس» آمده است، قانونگذار به منظور رفع هر گونه شبهه، در پایان ماده تصریح کرده است که رعایت این امر در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز باید صورت پذیرد. حال باید دید که مقررات این ماده در مرحله تجدید نظر یا اجرای احکام نیز قابل رعایت است؟ این سؤال امر جاری پژوهش و نظمان دارد ولی، به‌طور چکیده بیان می‌شود که چون مفاد این حکم، جنبه حمایتی دارد، با بایدان چتر حمایتی تا آخرین مراحل فرآیند دادرسی کیفری و چه بسا مرحله پس‌ادارسی، بالای سر بزه دیده وجود داشته باشد.

۶- **نبود ضمانت اجرا:** با وجود ایجاد تکلیف برای مقام قضایی، شوربختانه برای اطمینان از دادن این تکلیف، هیچ گونه ضمانت اجرایی پیش‌بینی نشده است. در تبصره ماده ۱۰۶ آن قانون، برای تخلف از تکلیف‌های آمده در مواد ۹۵، ۱۰۲، تبصره یک ماده ۱۰۲، ۱۰۴ و ۱۰۶، محکومیت انتظامی تا درجه چهار در نظر گرفته شده است که خبری از ماده ۱۰۱ نیست و این یک کاستی است که باید برطرف شود.

۷- **شبهه جلوگیری از دسترسی به اطلاعات:** قانون از واژگان «تدابیر مقتضی» استفاده کرده است که چون اختیار مقام قضایی را بدون حد و مرز گسترش داده است، ممکن است سبب آسیب به حق‌های دفاعی متهم شود و بهتر است که شبهه‌های این تدابیر در قانون یا آیین‌نامه پیش‌بینی شوند. بنابراین رئیس قوه قضایی شاید بتواند با صدور دستورالعملی این کاستی را برطرف کند. در هر صورت باید دید رویه قضایی به چه سمت و سویی می‌رود. در اینجا مناسب است که با بهره بردن از تجربیات کشورهای پیش رو و صاحب‌سبک، مهم‌ترین روش‌ها توسط رویه قضایی شناسایی شوند و مورد عمل قرار بگیرند، به برخی از این روش‌ها اشاره می‌شود:

– اطمینان از اینکه سازمان‌های رایانه‌ای، به سامانه‌هایی امنیتی مجهز غیردولتی که موضوع فعالیت آنها به گونه‌ای مربوط به بزه دیدگان است، مبنی بر اینکه هویت بزه دیدگان باید محفوظ بماند.

– برگزاری دوره‌های آموزش منظم برای کارکنان مربوط با موضوع حفاظت از هویت بزه دیدگان.

– اطمینان از اینکه سامانه‌های رایانه‌ای، به سامانه‌هایی امنیتی مجهز هستند که بخوبی از اطلاعات مربوط به هویت بزه دیدگان محافظت می‌کنند یا گذر واژه رایانه‌ها پیوسته تغییر داده شود. [1]

– آموزش مقامات قضایی، ضابطان و دیگر کنتشگران دستگاه عدالت کیفری و تهیه و تصویب یک منشور اخلاق رسانه‌ای را می‌توان به موارد یاد شده، افزود.